

An Analysis of the Qur'anic Strategies for Addressing Singleness with Emphasis on Verse 32 of Surah al-Nur

Mohammad-Javad Saqqā-ye Biryā  / Assistant Professor, Department of Qur'anic Interpretation and Sciences, Imam Khomeini Educational and Research Institute
mjbiria@iki.ac.ir

Received: 2025/02/12 - Accepted: 2025/04/14

Abstract

Undoubtedly, the issue of singleness and lack of marital companionship is one of the pressing challenges facing Islamic societies, leading to various social crises—including demographic decline and population aging. But so far, none of the humane solutions to this problem have been successful, and the consequences of this problem continue to plague Islamic society. Given that the Holy Qur'an is a divine source addressing various aspects of human life—and particularly in verse 32 of Surah al-Nur, it speaks of marriage for the unmarried and offers strategies to resolve the problem of singleness—it can be considered a reliable source for addressing this concern. The findings of this study reveal two categories of solutions: 1. At the macro level, all members of the Islamic society—both individuals and institutions—are religiously obligated to synergize their efforts, using all available resources, to facilitate the marriage of unmarried individuals within the community. 2. At the micro level, several strategies have also been proposed in this regard: (a) fostering motivation for marriage; (b) facilitating the marriage process; and (c) providing financial assistance to economically disadvantaged singles.

Keywords: Singleness, Marriage, Qur'anic Solutions, Surah al-Nur.

نوع مقاله: پژوهشی

تحلیلی از راهکارهای قرآن کریم برای حل مسئله تجرد با تأکید بر آیه ۳۲ سوره نور

mjbiria@iki.ac.ir

محمدجواد سقایی بی‌ریا  / استادیار گروه تفسیر و علوم قرآن مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی *

دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۲۴ - پذیرش: ۱۴۰۴/۰۱/۲۵

چکیده

بی‌شک مسئله تجرد و بی‌همسری، یکی از معضل‌های جامعه اسلامی است که بحران‌های اجتماعی متعددی از جمله بحران‌های جمعیتی و پیری آن را به دنبال خواهد داشت، اما تا کنون راهکارهای بشری به این معضل، هیچ‌کدام موفق نبوده‌اند و تبعات این معضل همچنان گریبان‌گیر جامعه اسلامی است. با توجه به اینکه قرآن کریم منبعی وحیانی است که به شئون مختلف انسان پرداخته است و خصوصاً در آیه ۳۲ سوره نور از ازدواج مجردان سخن به میان آورده است و راهکارهایی را برای حل معضل تجرد پیشنهاد داده است؛ بنابراین منبع مطمئنی برای حل این مسئله به حساب می‌آید. یافته‌های این پژوهش حاکی از وجود دو نوع راهکار برای حل این مسئله است: ۱. در بُعد کلان، از تمامی احاد جامعه اسلامی، شامل اشخاص حقیقی و حقوقی، شرعاً خواسته شده است که با استفاده از تمامی امکاناتی که در اختیار دارند، برای به ازدواج درآوردن مجردان جامعه هم‌افزایی کنند؛ ۲. در بُعد خرد نیز به چند راهکار در این زمینه اشاره شده است: الف) ایجاد انگیزه برای ازدواج؛ ب) تسهیل ازدواج؛ ج) کمک مالی به مجردان کم‌بضاعت.

کلیدواژه‌ها: مسئله تجرد، تجرد قطعی، ازدواج آسان، تشکیل خانواده.

مقدمه

بنابر ادله متعدد، تأکید اسلام بر ازدواج مجردان، تا بدان حد است که خانواده را محبوب‌ترین بنا نزد خداوند معرفی و باقی ماندن - بدون عذر - بر تجرد را شدیداً نکوهش کرده است (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق، ج ۳، ص ۳۸۳؛ شعیری، بی‌تا، ص ۱۰۲). گرچه انسان به‌طور فطری و بر اساس آفرینش اولیه خود، به ازدواج با جنس مخالف تمایل دارد، اما در بسیاری از موارد، موانعی ناخواسته بر سر راه تأمین این نیاز فطری به وجود می‌آید که اگر به‌موقع برطرف نگردد، فرد با رسیدن به سن «تجرد قطعی»، تا آخر عمر مجرد خواهد زیست (طالب‌پور و بیرانوند، ۱۴۰۱، ص ۱۷). قطعاً راهکارهای بشری برای حل این معضل، تا به حال کارآمدی لازم را نداشته‌اند؛ چراکه همچنان این معضل در جامعه پابرجاست. پرسش اصلی این پژوهش آن است که با تأکید بر آیه ۳۲ سوره نور به‌عنوان یگانه آیه‌ای از قرآن که صراحتاً درباره مسئله تجرد و راهکارهای حل آن سخن به میان آورده است، چه تحلیلی از راهکارهای قرآنی حل مسئله تجرد می‌توان ارائه داد.

این پژوهش در گردآوری اطلاعات، از روش کتابخانه‌ای و در داوری اطلاعات، از روش توصیفی - تحلیلی استفاده می‌کند. از طرفی، اهمیت ذاتی حل مسئله تجرد بدان جهت است که ازدواج مقدمه تأمین سکون و آرامش مرد و زن است (ر.ک: روم: ۲۱) و از طریق آن امکان فرزندآوری مهیا می‌گردد؛ بنابراین آماده کردن اسباب آن، به آرامش روانی افراد جامعه و تولید نیروی جمعیتی لازم می‌انجامد.

پس از بیان پیشینه مسئله و مفهوم‌شناسی واژگان کلیدی عنوان آن، ذیل پرسش اصلی، به چند پرسش فرعی پاسخ خواهیم داد: ۱. تفسیر آیه ۳۲ سوره نور چیست؟ ۲. تجرد چه عواملی دارد؟ ۳. راهکارهای پیشنهادی قرآن کریم برای حل این مسئله کدام‌اند؟

۱. پیشینه بحث

حسب جست‌وجوهای صورت‌گرفته برای پیشینه‌یابی، اثری یافت نشد که به‌طور مستقل و تفصیلی راهکارهای قرآن کریم برای حل معضل تجرد را با تمرکز بر آیه ۳۲ سوره نور بررسی کرده باشد. با این حال، به برخی از پژوهش‌های کمابیش مرتبط با این مسئله اشاره می‌شود: امینی بیات (۱۴۰۱) و وفادار (۱۳۹۹) برای تسهیل ازدواج راهکارهای گوناگون فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی را از منظر قرآن و روایات بیان کرده‌اند، ولی پژوهش پیش رو بر استخراج راهکارها از آیه ۳۲ سوره نور متمرکز شده است. رضایی (۱۳۹۷) در پژوهشی عمده‌تأراوی، به شش مورد از موانع ازدواج آسان از قبیل بی‌توجهی به کفویت، فساد و بی‌بندوباری و ازدواج نابهنگام و راهکارهای برطرف ساختن آنها پرداخته است، ولی این مسئله را از منظر آیات قرآن بررسی کرده است.

در ارزیابی کلی پیشینه، باید گفت که هیچ‌یک از این پژوهش‌ها به بررسی تفصیلی راهکار کلان در راستای حل مسئله تجرد - خصوصاً از منظر آیه ۳۲ سوره نور - نپرداخته‌اند؛ راهکاری که به نظر می‌رسد بتواند یگانه راه برون‌رفت از این معضل اجتماعی باشد و با تحلیل آن راهکارهای خرد گوناگونی به‌دست می‌آید.

همان گونه که گذشت، منابع پژوهشی کافی به این مسئله - خصوصاً از دیدگاه قرآن کریم و با تأکید بر آیه ۳۲ سوره نور - نپرداخته‌اند؛ بنابراین پژوهش پیش رو ضروری می‌نماید.

وجه نوآوری این پژوهش، در انتخاب مسئله، منبع و روش آن است؛ چراکه راهکارهای حل مسئله مجرد را از دیدگاه قرآن کریم با تمرکز بر آیه ۳۲ سوره نور که صراحتاً بر به ازدواج درآوردن مجردان تأکید کرده است، مورد کنکاش و بررسی تفسیری قرار داده است؛ این در حالی است که این راهکارها به شکل کلان و خرد در پژوهش‌های پیشین مورد کنکاش قرار نگرفته‌اند.

۲. مفهوم‌شناسی

۲-۱. «تجرد»

تجرد در لغت، واژه‌ای عربی به معنای عاری بودن از چیزی و در اصطلاح حکما، منطبق بر معنای «غیرمادی» است (تهانوی، ۱۹۹۶م، ج ۱، ص ۳۸۲). این واژه در عرف فارسی‌زبانان، به معنای «زن ناگرفتن، زن نداشتن و بی‌زن بودن» است (معین، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۱۰۳۰). البته، همین مفهوم از طرف زن نیز، به کار می‌رود که به معنای «شوهر نداشتن» است.

واژه «تجرد» یا هم‌خانواده‌هایش، فاقد هرگونه کاربرد قرآنی است، اما در آیه ۳۲ سوره نور، تنها کاربرد قرآنی واژه «الایامی» به معنای «زن یا مرد بی‌همسر» (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۱۶۶)، به چشم می‌خورد. در آیات دیگر، تعبیر کنایی «وَلَمْ يَمْسَسْنِي بَشْرٌ» (آل عمران: ۴۷؛ مریم: ۲۰) از زبان مریم علیها السلام به معنای ازدواج ناکرده و مجرد است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۷۵۰). واژه «حصور» نیز که یک بار درباره یحیی علیه السلام به کار رفته است (آل عمران: ۳۹)، به مردی گفته می‌شود که از زنان کناره‌گیری می‌کند و با آنان ازدواج نمی‌کند (ازهری، ۱۴۲۱ق، ج ۴، ص ۱۳۸). بنابراین مقصود از واژه «مجرد» در این پژوهش زن یا مردی است که همسر ندارد و «تجرد» یعنی بدون همسر بودن، اما تنها واژه قرآنی که با راهکارهای حل معضل تجرد مرتبط شده است، واژه «الایامی» است.

۲-۲. «ازدواج»

ازدواج در لغت به معنای «جفت گرفتن، زن کردن یا شوهر کردن، با یکدیگر جفت و قرین شدن، زناشویی، جفت کردن، با هم جفت کردن مرد و زن را» آمده است (دهخدا، ۱۳۷۷، ذیل مدخل «ازدواج»). این واژه در اصطلاح، ازدواج قراردادی شرعی بین دو انسان با جنسیت مختلف (زن و مرد) است؛ پیمانی که متضمن ایجاد علقه زوجیت خاص است. این قرارداد ممکن است به‌صورت دائم یا موقت شکل بگیرد و دست‌کم در امور جنسی و مالی، تعهداتی برای زن و مرد به دنبال دارد (جان‌بزرگی، ۱۳۹۹، ص ۶).

۳. تجرد در آیه ۳۲ سوره نور

در قرآن کریم، دو دسته آیات با مسئله تجرد ارتباط دارند: دسته‌ای به‌طور مستقیم و دسته دیگر به شکلی غیرمستقیم. دسته نخست، شامل آیه ۳۲ سوره نور است که در آن صراحتاً واژه «الایامی»، یعنی زنان و مردان بی‌همسر، آمده

است و به فراهم ساختن اسباب ازدواج آنان توصیه شده است. این آیه نتایجی ارزنده در پی دارد که عمل به آنها می‌تواند نقش بسزایی در خروج از این معضل ایفا کند. خداوند در این آیه می‌فرماید:

وَأَنْكِحُوا الْأَيَامِي مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَانِكُمْ إِن يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ؛ مردان و زنان بی‌همسر خود را همسر دهید، همچنین غلامان و کنیزان صالح و درستکاران را؛ اگر فقیر و تنگدست باشند، خداوند از فضل خود آنان را بی‌نیاز می‌سازد؛ خداوند گشایش‌دهنده و آگاه است!

حل مسئلهٔ تجرد، نزد خداوند متعال بدان درجه از اهمیت بوده است که صریحاً آن را در قرآن کریم که بیانگر خطوط کلی هدایت است، ذکر و در همین آیه، راهکار کلان و یک راهکار خرد را برای حل این مسئله در جامعهٔ اسلامی بیان فرموده است؛ بنابراین ناگزیر باید ابتدا این آیه را تفسیر کنیم.

۳-۱. «آنکحوا»

این واژه، فعل امر و مخاطب آن جمع مذكر است، اما آیا این بدان معناست که زنان مخاطب آیه نیستند؟ پاسخ منفی است؛ چراکه در زبان عربی، برای بیان فعلی که هم مردان در آن دخیل هستند و هم زنان، از فعل جمع مذكر استفاده می‌شود. آن گونه که برخی از محققان به‌طور کلی دربارهٔ معنای صیغهٔ امر آورده‌اند (آخوند خراسانی، ۱۴۰۹ق، ص ۶۳)، دور از ذهن نیست که فعل امر به‌طور کلی و در اینجا در شکل «آنکحوا» بر وجوب به ازدواج درآوردن بی‌همسران دلالت داشته باشد، ولی چون ادله‌ای همچون اجماع بر خلاف این حکم موجود است، منظور از آن استحباب و مطلوبیت به ازدواج درآوردن مجردهاست (جصاص، ۱۴۰۵ق، ج ۵، ص ۱۷۸). برخی دیگر از مفسران نیز، از این فعل امر، معنای استحباب را فهمیده‌اند (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۳۳۴؛ طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷، ص ۲۱۹). بنابراین از آنجا که اصل ازدواج نیز مستحب مؤکد است، می‌توان گفت که به ازدواج درآوردن مردان و زنان بی‌همسر نیز مستحب مؤکد است. شاهد این مطلب روایاتی است که برای به ازدواج درآوردن مجردان ثواب‌های فراوان بیان کرده‌اند؛ به‌عنوان نمونه، از امام صادق علیه السلام نقل شده است که: «هرکس اسباب ازدواج مجردی را فراهم آورد، از کسانی خواهد بود که خداوند روز قیامت به او نظر لطف و مرحمت خواهد داشت» (ر.ک: حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۲۰، ص ۴۵). با این حال، برخی معتقدند که اگر فرد مجرد در حالتی است که ممکن است بر اثر بی‌همسری به گناه بیفتد، ازدواج بر او لازم و به ازدواج درآوردن او نیز بر دیگران واجب است (ابن عربی، ۱۴۰۸ق، ج ۳، ص ۱۳۷۷).

با توجه به اینکه انسان باید با اختیار و رغبت خود ازدواج کند، منظور از به ازدواج درآوردن بی‌همسران، آن است که دیگران اسباب و شرایط ازدواج آنان را فراهم کنند؛ نه اینکه آنان را به ازدواجی که تمایل به آن ندارند، اکراه نمایند. بنابراین افراد جامعهٔ اسلامی باید با یافتن همسر مناسب، ترغیب طرفین به ازدواج، اعطای کمک‌های مالی و نهایتاً وساطت در حل مشکلات احتمالی، به ازدواج کردن مجردها کمک کنند (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۱، ج ۱۴، ص ۴۵۷).

۳-۱-۱. مخاطبان حقیقی و حقوقی

با دقت در فعل امر «آنکحوا» و کنندهٔ آن (اَنتم مستتر در این فعل یعنی شما ای جماعت مخاطبان)، روشن می‌شود که مخاطبان این آیه همهٔ مؤمنان (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷، ص ۲۱۹) یا به عبارت دیگر، جامعهٔ اسلامی هستند (قطب، ۱۴۲۵ق، ج ۴، ص ۲۵۱۵).

شکی نیست که آیات قرآن کریم، به طور طبیعی خطاب‌ها، اشخاص حقیقی را مورد خطاب خود قرار می‌دهند. اکنون سخن در آن است که آیا اشخاص حقوقی یا اعتباری نیز - به لحاظ جایگاه حقوقی و حوزه مسئولیتی خود - مورد خطاب آیات قرار می‌گیرند یا خیر؟ محض نمونه، آیا رئیس‌جمهور که کم و کیف تدوین برنامه و تخصیص بودجه کشور در دست اوست، مؤظف است که در راه حل مسئله تجرد هر تلاش متناسب با جایگاه حقوقی خود را انجام دهد؟ در این زمینه بین دانشمندان اختلاف نظر وجود دارد.

اما بهترین و گویاترین دلیل بر امکان داشتن چیزی، واقع شدن آن است. در اینجا به سه دسته آیات در این باره اشاره می‌کنیم:

الف) خداوند در آیات فراوانی پیامبر خویش را نه به اسم شخصی‌اش، بلکه با عنوان حقوقی‌اش، یعنی پیامبر خدا، مخاطب ساخته و تکالیفی را متوجه او فرموده است؛ مانند «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ» (توبه: ۷۳)؛ ای پیامبر! با کافران و منافقان جهاد کن، و بر آنها سخت بگیر!

ب) عنوان «مؤمنان» بارها این عنوان مورد خطاب قرار گرفته و وظایفی برای آنان بیان شده است؛ به عنوان مثال، خداوند می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ» (بقره: ۱۵۳)؛ ای افرادی که ایمان آورده‌اید! از صبر (و استقامت) و نماز، کمک بگیرید! (زیرا) خداوند با صابران است؛

ج) عنوان «نساء النبی» نیز به صورت حقوقی مکلف به تکالیفی شده است؛ مانند آیه‌ای که می‌فرماید: «يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ» (احزاب: ۳۲)؛ ای همسران پیامبر! شما همچون یکی از آنان معمولی نیستید اگر تقوا پیشه کنید؛ پس به گونه‌ای هوس‌انگیز سخن نگویید. در این کاربردهای قرآنی به روشنی خطاب تکلیفی به عناوین حقوقی، یعنی غیر از عناوین شخصی، متوجه شده است، و از آنجاکه در وحی الهی هیچ شائبه‌ای از خطا وجود ندارد، پس نتیجه آن است که خطاب تکلیفی به اشخاص حقوقی نیز صحیح است.

مؤسسان قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز همین دیدگاه را در ذهن داشته‌اند؛ چراکه در این قانون، برای اشخاص حقوقی، اعم از رهبر، دولت، قوه قضائیه، رئیس آن و دیگر جایگاه‌های حقوقی، شرح وظایفی را مشخص کرده‌اند؛ به عنوان مثال، در اصل ۱۲۱ قانون اساسی، رئیس‌جمهور ضمن سوگند به قرآن کریم موظف می‌شود تا پاسدار مذهب رسمی، نظام جمهوری اسلامی و قانون اساسی کشور باشد (ر.ک: فتحی و کوهی اصفهانی، ۱۳۹۷، ص ۴۵).

۳-۲. «الایامی»

کلمه «الایامی» در اصل «ایام» بوده است که به «ایامی» تغییر شکل داده است. این کلمه جمع «الایم» به معنای شخص ازدواج ناکرده است و برای مرد و زن به کار می‌رود (ازهری، ۱۴۲۱ق، ج ۱۵، ص ۴۴۶؛ طبرسی، ۱۴۱۲ق، ج ۳، ص ۱۰۵). قطعاً «الایامی» به افراد خاصی از مجردان اشاره ندارد؛ چون در آیه پیش از آن، از مجردهای خاصی یاد نشده است، بلکه این واژه شامل همه مجردهای موجود در جامعه اسلامی می‌شود (در ادامه، با توضیح قید «مِنْهُمْ»

بیشتر در این باره سخن خواهیم گفت). بنابراین هرگاه مجردی در جامعه یافت شود - که به صورت طبیعی پیوسته چنین است - بر همگان مستحب مؤکد است که برای ازدواج او اقدام کنند.

۱-۲-۳. دائمی بودن این حکم

قطعاً خداوندی که خانواده را محبوب‌ترین بنا می‌داند، تشریعاً راضی نیست که حتی یک نفر از مجردها بدون همسر بماند. پس - همان گونه که گذشت - ملاک این حکم شامل همهٔ افراد بدون همسر می‌شود. فارغ از مباحث دقیق ادبی که دربارهٔ واژهٔ «الایامی» در برخی کتابها موجود است، این واژه به معنای افراد بی همسر چه زن و چه مرد آمده است؛ چه اصلاً ازدواج نکرده باشند و چه پس از ازدواج همسرشان فوت شده باشد (ر.ک: زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج ۳، ص ۲۳۳). این کلمه در آیه «الف و لام» دارد و قطعاً منظور از آن، افراد خاصی از مجردها نیست، بلکه این «الف و لام» یا به معنای «جنس» است یا «استعراق» و هر کدام از این دو معنا که باشد، این کلمه شامل همهٔ افراد بی همسر می‌شود. نتیجه آن است که تا زمانی که هنوز افرادی در جامعه یافت شوند که عنوان «بی همسر» بر آنان بار شود - حتی اگر سن تجرد قطعی را پشت سر نهاده باشند - این آیه و حکم بیان شده در آن، برای آنان به قوت خود باقی است.

۳-۳. «مینکم»

آوردن قید «مینکم» در ادامهٔ آیه، دارای اهمیت است؛ چراکه دایرهٔ مجردها را مشخص می‌سازد. فخر رازی سه دیدگاه دربارهٔ مقصود از این کلمه نقل کرده است: ۱. بسیاری از مفسران، این کلمه را برای افادهٔ معنای «خُر»، یعنی آزاد (در برابر برده و کنیز) دانسته‌اند؛ ۲. برخی معتقدند این قید، یعنی کسی که تحت ولایت انسان باشد، مثل فرزند و نزدیکان؛ ۳. برخی دیگر بر این باورند که این کلمه بر دارا بودن دو شرط آزادی و اسلام دلالت دارد (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۳، ص ۳۷۰). در مقام ترجیح یکی از این سه دیدگاه، می‌گوییم: در ادامهٔ آیه، عبارت «وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ» آمده است و از کنار هم قرار گرفتن این دو قید در آیه، معلوم می‌شود که معنای آنها باید با یکدیگر فرق داشته باشد والا تکرار لازم می‌آید. از این رو معنای «مینکم» آن گونه که برخی مفسران نیز بیان کرده‌اند، زنان و مردان آزاد است (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۷، ص ۲۱۹) که قهراً از اعضای جامعهٔ اسلامی هستند (= قول سوم). اما قول دوم که حاکی بود مجردهای تحت ولایت انسان مدنظر آیه هستند، چنین قابل نفی است که خداوند دقیقاً با فرمان بدون قید و شرط به تزویج مجردان در این آیه، به احاد جامعه ولایت می‌دهد که در راستای به ازدواج درآوردن همهٔ آنان اقدام کنند؛ چه آنها قبل از صدور این فرمان تحت ولایت انسان باشند - مثل فرزندان خود او - چه نباشند. البته روشن است که برخی از افراد جامعه اصولاً شأنیت تزویج مجردها را ندارند - مانند افراد غیربالغ، مجانبین یا افراد سفیه که اجازهٔ تصرف در اموال خود را ندارند - از چنین ولایتی برخوردار نیستند. این مطلب درست مثل آمران به معروف و ناهیان از منکر است که از طرف خداوند بر دیگر افراد جامعه ولایت دارند تا مردم را به خوبی‌ها امر و از بدی‌ها نهی کنند (ر.ک: توبه: ۷۱).

۳-۴. «وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ»

گرچه امروزه به تدبیر هوشمندانه اسلام، دیگر برده‌ای وجود ندارد، ولی قرآن کریم از آوردن عبارت «وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ»؛ همچنین غلامان و کنیزان شایسته‌تان را، به برخی نکات ظریف در آیه اشاره فرموده است. ابتدا باید گفت که مقصود از شایستگی در این عبارت، داشتن صلاحیت برای ازدواج است؛ نه شایستگی در اعمال که ملاک آن ایمان و عمل صالح است (طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۵، ص ۱۱۳). نکته‌ای که در اینجا وجود دارد، آن است که خداوند در مطلوبیت به ازدواج درآوردن بی‌همسران، بین افراد آزاد و برده فرق نگذاشته است. معنای این عبارت آن است که نیاز جنسی یک غریزه طبیعی است و نمی‌توان آن را به بهانه عبد یا کنیز بودن فرد نادیده گرفت (قراقرتی، ۱۳۸۸، ج ۶ ص ۱۸۲). همین ملاک در افراد آزاد از طبقات مختلف اجتماعی و اقتصادی صدق می‌کند؛ یعنی غریزه جنسی در همه آنان وجود دارد و نمی‌توان به بهانه فقیر بودن یا قرار گرفتن در طبقات پایین اجتماعی در ازدواج آنان سستی به خرج داد.

۳-۵. «إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ»

عبارت پایانی آیه، به یکی از مهم‌ترین مشکلات بر سر راه ازدواج، یعنی فقر، کم‌بضاعتی و مشکلات مالی مجردان، اشاره دارد و وعده داده است که اگر مجردان در انتظار ازدواج فقیر نیز باشند، ابتدا باید نگرش خود را به روزی‌رسانی خداوند تغییر دهند؛ یعنی همه اسباب روزی را تنها در دست او ببینند و با اتکال به وعده او مبنی بر بی‌نیاز ساختن زوجین پس از ازدواج، اقدام به ازدواج کنند. به‌هرحال، فقر نباید مانع از ازدواج فقرا باشد (مصباح یزدی، ۱۳۹۴، ص ۶۸). جمله پایانی آیه که خداوند وسعت‌دهنده روزی و آگاه به حال همگان است، تأکید وعده خداوند به بی‌نیاز ساختن مجردان فقیر است (طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۵، ص ۱۱۳)؛ یعنی خداوند علاوه بر اینکه خزائن روزی آسمان‌ها و زمین را در دست دارد، بر احوال بندگان خویش اعم از فقر و غنا کاملاً آگاه است و صفت رأفت و رحمت او باعث می‌شود که بندگان فقیرش را با فراهم کردن اسباب بی‌نیازی از این حال خارج کند.

۴. عوامل تجرد

پدیده تجرد و ازدواج نکردن، می‌تواند عوامل فرهنگی - اجتماعی یا اقتصادی داشته باشد. برخی از این عوامل، موجب می‌شوند با تأخیر انداختن ازدواج، سن آن در میان جوانان افزایش یافته، آنان رفته‌رفته با کاهش تمایل به ازدواج روبه‌رو گردند؛ برخی دیگر از این عوامل مانند سخت‌گیری در ملاک انتخاب همسر یا تجمل‌گرایی در مراسم عروسی، مجردان را از تن دادن به ازدواج آسان باز می‌دارند. بنابراین در ادامه ابتدا برخی از این عوامل را بررسی کرده و سپس راهکارهای قرآن کریم برای حل این معضل اجتماعی را بیان خواهیم کرد.

۴-۱. عوامل افزایش سن ازدواج و عدم تمایل به ازدواج

۴-۱-۱. عوامل فرهنگی - اجتماعی

افزایش سن ازدواج و کاهش تمایل به آن، می‌تواند عوامل فرهنگی - اجتماعی داشته باشد. برخی از منابع افزایش

آسیب‌های اجتماعی از قبیل بی‌بندوباری، سردی روابط همسران و طلاق، طولانی بودن دوران تحصیلات دانشگاهی و برهم خوردن توازن دختر و پسر آمادهٔ ازدواج در روستاها (رجبی، ۱۳۸۶، ص ۱۴۵-۱۴۶)، متروک شدن ارزش‌های فرهنگی، نفوذ فرهنگ آزادی جنسی غرب و آرمان‌گرایی جوانان را از جمله عوامل فرهنگی - اجتماعی بالا رفتن سن ازدواج در جامعه می‌دانند (رجبی، ۱۳۸۶، ص ۱۴۸-۱۴۹).

۴-۲. عوامل عدم پذیرش ازدواج آسان

شاید یکی از مهم‌ترین عواملی که مجردان را از انتخاب ازدواج آسان باز می‌دارد، عوامل فرهنگی - اجتماعی باشد؛ به‌عنوان مثال، داشتن سنت‌های نادرست و غیرضروری دربارهٔ ازدواج، باور به زود هنگام بودن ازدواج برای جوانان (امینی بیات، ۱۴۰۱، ص ۲۶ و ۲۷)، چشم‌وهم‌چشمی و شیوع آداب و رسوم دست‌وپاگیر در ازدواج را می‌توان از موانع فرهنگی - اجتماعی ازدواج آسان برشمرد؛ همچنین سخت‌گیری در معیارهای انتخاب همسر، می‌تواند فرایند ازدواج را با سختی مواجه سازد (جان‌بزرگی، ۱۳۹۹، ص ۹).

یکی از عوامل فراگیری که باعث می‌شود مجردان به ازدواج آسان تن ندهند، عوامل اقتصادی است؛ مثلاً بالا رفتن سطح توقعات مادی فرد و خانواده‌ها و گرایش به تجمل از جمله موانع ازدواج آسان هستند (جان‌بزرگی، ۱۳۹۹، ص ۹).

۵. راهکارهای پیشنهادی قرآن

۵-۱. راهکار کلان

راهکار کلان به‌دست‌آمده از آیهٔ ۳۲ سورهٔ نور، در یک عبارت کوتاه؛ یعنی گردآوردن همهٔ نیروهای فزایندهٔ جامعهٔ اسلامی که در راستای به ازدواج درآوردن مجردان قرار می‌گیرند. توضیح آنکه، همگان چه اشخاص حقیقی، اعم از اعضای خانواده، دوستان، آشنایان، معلمان و اساتید فرد مجرد، و چه اشخاص حقوقی، اعم از سران قوا، نمایندگان مجلس، وزرا و دیگر مدیران دستگاه‌ها، شرعاً (به‌نحو استحباب مؤکد و در شرایطی وجوب) مورد مطالبه‌اند که در راه از بین بردن معضل تجرد از جامعهٔ اسلامی، هر آنچه در توان و وسع خویش دارند، به کار گیرند. گرچه این آیه، به بیان مصادیق جزئی کمک‌ها و چگونگی صورت گرفتن آنها نپرداخته است، اما می‌توان مطلوب بودن همهٔ تلاش‌ها و کمک‌ها از افراد را از برخی قاعدهٔ «حذف المتعلق بفید العموم» استفاده کرد (صدر، ۱۴۰۸ق، ج ۳، ص ۱۸۵). توضیح آنکه وقتی می‌فرمایند مجردان را به ازدواج درآوردید و نمی‌گویید چگونه و از طریق چه کمک‌هایی، معلوم می‌شود که هر راه مشروعی برای این هدف مقصود است. در ذیل، به برخی از این تلاش‌ها اشاره شده است که بعضاً در قانون تسهیل ازدواج جوانان نیز مورد تصریح است (ر.ک: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۴).

به‌عنوان نمونه؛ از جمله مصادیق این آیه آن است که مراکز علمی، تولیدکنندهٔ محتوا، صداسیما و دیگر سازمان‌های ترویجی - تبلیغی، به فرهنگ‌سازی و رفع موانع بیش‌تری و انگیزشی ازدواج آسان بپردازند؛ همچنین بانک‌ها و مؤسسات مالی دولتی و خصوصی موظف‌اند که تسهیلات ارزان‌قیمت و سهل‌الوصول برای ازدواج و ودیعهٔ مسکن افراد در شرف ازدواج تأمین کنند. دولت، مجلس و قوهٔ قضائیه نیز باید با تمام توان از طریق ارائهٔ لایح، طرح‌ها و برخورد با متخلفان بپردازند.

چنین راهکار به ظاهر ساده‌ای، در صورت عملی شدن، تمام ظرفیت‌ها و توان عظیم جامعه اسلامی را در راستای زدودن معضل تجرد به کار می‌گیرد. با نیروی نهفته در جامعه می‌توان کارهای نشدنی را شدنی ساخت. این راهکار، مصداقی از به کارگیری نیروی اجتماعی است که طبق نظر برخی مفسران یکی از مظاهر قدرت انسان است (مصباح یزدی، ۱۳۹۴، الف، ص ۱۱۱). در واقع، مردم با به کار بستن این راهکار، بازوی توانایی برای حاکم جامعه در رفع این معضل می‌گردند.

دو آیه ذیل را می‌توان مؤید آیه ۳۲ سورة نور در ارتباط با راهکار کلان دانست. در آیه نخست، خداوند می‌فرماید: «وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ» (مائده: ۲)؛ و (همواره) در راه نیکی و پرهیزگاری با هم تعاون کنید! و (هرگز) در راه گناه و تعدی همکاری ننمایید. با توجه به دلیل‌هایی که ازدواج را یکی از کارهای خیر معرفی می‌کند (به عنوان مثال، رک: ابن بابویه، ۱۴۱۵ق، ص ۳۰۱)، همیاری در محقق شدن این رفتار اجتماعی نیز مطلوب است. طبق نظر برخی مفسران، گرچه آیه فوق به همکاری مؤمنان با یکدیگر در عموم کارهای نیک فرمان داده است، ولی خداوند در آیه ۳۲ سورة نور به خاطر تأکید بر مسئله ازدواج و نشان دادن اهمیت ویژه آن، به تعاون در آن تصریح نموده است (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۱، ج ۱۴، ص ۴۵۷).

به دلیل شرایط خاص، در سامان بخشیدن به برخی ازدواج‌ها، یک نفر و نیرو و ظرفیت او کافی نیست. در اینجاست که تعاون و همیاری در حل مسئله تجرد مطرح می‌شود. گاه ممکن است افراد به کمک یکدیگر نیازمند باشند و گاه دولت به کمک مردم و گاه بالعکس مردم به کمک دولت محتاج باشد.

در بخشی از آیه‌ای دیگر، خداوند می‌فرماید:

وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكِنْ لِيَبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ (مائده: ۴۸)؛ و اگر خدا می‌خواست، همه شما را امت واحدی قرار می‌داد، ولی خدا می‌خواهد شما را در آنچه به شما بخشیده بازآورد (و استعدادهاي مختلف شما را پرورش دهد)؛ پس در نیکی‌ها بر یکدیگر سبقت جوید!

برخی مفسران در تفسیر آیه فوق آورده‌اند که خداوند همه انسان‌ها را یکسان نیافریده است، بلکه استعدادها و ویژگی‌هایی را در هریک از آنان قرار داده است که مایه امتحان و رشد آنان است. انسان باید این استعدادها را در پرتو آموزش‌های پیامبران الهی مرحله به مرحله به ظهور و بروز برساند. در نهایت، قرآن همه اقوام را مخاطب قرار می‌دهد که به جای صرف نیروی خود در اختلاف با یکدیگر، در کارهای نیک بر همدیگر سبقت بگیرند (مکارم شیرازی و دیگران، ۱۳۷۲، ج ۴، ص ۴۰۲). این آیه نیز به عمومیت خود قابل تطبیق بر بحث ازدواج است. البته، برخلاف آیه پیشین دلالت بر گروهی بودن این کار ندارد و صرفاً سبقت گرفتن به کار نیک را می‌رساند؛ هرچند می‌توان در برخی موارد، لازمه آن را ورود افراد مختلف در یک کار نیک و قهراً انجام جمعی آن دانست.

۵-۲. راهکارهای خرد

آنچه در راهکار کلان قرآنی برای حل مسئله تجرد گذشت، ضمن تحلیلی، در سطح خرد نیز قابل تطبیق بر موارد و نمونه‌های جزئی گوناگون است؛ برای مثال، اگر یک عالم دینی یا مشاور پیش از ازدواج بتواند با قدرت بیان و با استفاده

از تکنیک‌های مشاوره‌ای خود فرد مجردی را به اقدام برای ازدواج متقاعد سازد و نگرش او را به این رفتار اصلاح کند، مطلوب است که چنین کند. اگر معمار یا بنایی می‌تواند خانه‌هایی از اموال خود یا با مشارکت دیگران بسازد و با اجارهٔ ارزان در اختیار زوج‌های جوان بگذارد، این کار از او خواسته شده است. اگر کسی می‌تواند به لحاظ مالی با خرید جهیزیه، مساعدت در تهیهٔ ودیعهٔ منزل، برگزاری جشن عروسی و... به تجردزدایی از جامعهٔ اسلامی کمک کند، مستحب است که چنین کند و همین‌طور است مثال‌های دیگر از افراد دارای امکانات و تخصص‌های مختلف.

این مثال‌ها همگی در سطح خرد - یعنی مربوط به آحاد جامعه - هستند. باید توجه شود که هیچ‌کدام از افراد این دو گروه (مخاطبان حقیقی و حقوقی آیه) نمی‌توانند به بهانهٔ وجود افراد گروه دیگر، از انجام مسئولیت خود شانه خالی کنند؛ مگر اینکه دیگر مجردی در جامعه یافت نشود که در آن صورت حکمی متوجه کسی نیست.

در ادامه، به بیان راهکارهای خرد در دیگر آیات خواهیم پرداخت که با ابعاد گوناگون این معضل اجتماعی مرتبط هستند.

۱-۵-۲. ایجاد انگیزه برای ازدواج

نقطهٔ شروع حرکت به سمت حل مسئلهٔ تجرد، آن است که مجردان را به ازدواج و تشکیل خانواده سوق دهیم تا آنان خود آن را انتخاب کنند. ایجاد انگیزه برای ازدواج عمدتاً از طریق بیان فواید ازدواج صورت می‌گیرد و برای این منظور می‌توان از برخی بیان‌های دینی استفاده کرد؛ برای مثال از رسول خدا ﷺ نقل شده است: «مَنْ تَزَوَّجَ آخَرَ نِصْفَ دِينِهِ وَفِي حَدِيثٍ آخَرَ فَلْيَتَّقِ اللَّهَ فِي النِّصْفِ الْآخَرِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۳۲۹)؛ هرکس همسری اختیار کند، نیمی از دین خود را حفظ کرده است و در حدیث دیگری فرمود: پس در نیم دیگرش از خداوند پروا کند. این روایت ازدواج را با حفظ نیمی از دین به‌عنوان عامل سعادت اخروی انسان مرتبط می‌کند. همچنین از امیرمؤمنان علیؑ نقل شده است: «تَزَوَّجُوا فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ كَثِيرًا مَا كَانَ يَقُولُ مَنْ كَانَ يُحِبُّ أَنْ يَتَّبِعَ سُنَّتِي فَلْيَتَزَوَّجْ فَإِنَّ مِنْ سُنَّتِي» (ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۶۱۴)؛ ازدواج کنید که رسول خدا ﷺ بسیار می‌فرمود: هرکس دوست دارد که از سنت من پیروی کند، پس باید ازدواج کند؛ چراکه ازدواج از سنت من است. در روایت دیگری از امام صادقؑ آمده است: «رَكَعَتَانِ يَصْلِيَهُمَا الْمَرْءُ أَفْضَلُ مِنْ سَبْعِينَ رَكَعَةً يَصْلِيْهَا أَغْرَبُ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۲۲۸)؛ دو رکعت نماز که مرد همسردار می‌گذارد، بهتر است از هفتاد رکعت که مرد بی‌همسر انجام می‌دهد. کوتاه‌سخن آنکه، ازدواج سنت پیامبر خدا ﷺ، سبب گشایش روزی است و می‌تواند موجب سعادت انسان گردد (عیسی‌زاده، ۱۳۹۰، ص ۳۱-۳۵).

۲-۵-۲. تسهیل ازدواج

چه‌بسا مجردان به خاطر تشریفات زاید در مراسم ازدواج و حواشی آن، نمی‌توانند تشکیل خانواده دهند. بدیهی است که با حذف این تشریفات، به‌راحتی می‌توان این جشن را برگزار کرد. خداوند دربارهٔ آسان‌گیری در احکام دینی که در مورد ازدواج نیز صدق می‌کند، می‌فرماید: «يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ» (بقره: ۱۸۵)؛ خداوند، راحتی شما را می‌خواهد، نه زحمت شما را! این مطلب را می‌توان به‌عنوان «اصل تسهیل» در نظر گرفت.

روشن است که سه مورد از سختی‌های خودساخته ازدواج، جهیزیه و مهریه سنگین و توقع بیجا در مورد خانه در آغاز ازدواج است.

از جمله راهکارهای رفع این سه مشکل، توجه به الگوهای صحیح در این زمینه است. یکی از ازدواج‌هایی که هر دو طرف آن معصوم بوده‌اند و از این رو بدون هیچ دغدغه‌ای قابل الگوگیری است، ازدواج حضرت زهرا (ع) و علی (ع) است که به‌رغم مقام والای زن و شوهر در عالم خلقت، در نهایت آسانی و سادگی برگزار شد. امیرمؤمنان (ع) ماجرای تهیه مهر و جهیزیه را چنین نقل فرموده است:

پس از خواستگاری و دریافت پاسخ مثبت، پیامبر (ص) به من فرمود بلند شو و زره خود را بفروش [؛ چراکه تو به آن نیازی نداری]. پس بلند شدم و زره را فروختم و قیمت آن را گرفتم؛ سپس نزد رسول خدا (ص) بازگشتم و همه پول را به آن حضرت تقدیم کردم. نه ایشان پرسید که مقدار آن چقدر است و نه من چیزی گفتم. پس حضرت با دو دستی مقداری از سکه‌ها را برگرفت و به برخی از اصحاب داد تا برای فاطمه (ع) لباس و اثاث خانه تهیه کنند. جهیزیه‌ای محقر که اکثر آن ظروف سفالین بود تهیه شد. پیامبر (ص) با دیدن این جهیزیه گریستند و در حق ما دعا فرمودند (ر.ک: طوسی، ۱۴۱۴ق، ص ۴۰).

سنگینی مهریه آثار نامطلوبی به دنبال دارد؛ از جمله اینکه از امیرمؤمنان علی (ع) نقل شده است که: «سنگین گرفتن مهریه، موجب دشمنی است»؛ همچنین از منظر آن حضرت «زن مبارک، زنی است که ازدواج با او و فرزندآوری‌اش آسان باشد» (ابن حیون، ۱۳۸۵ق، ج ۲، ص ۲۲۱).

پس راهکار مشخص در این زمینه، آن است که از طرفی، خصوصاً خانواده‌ها و در صورت نیاز مشاوران دخترها را متقاعد سازند که تمرکز خود را بر ملاک‌های پایدار، یعنی تقوا، اخلاق و وفادارای مرد، بگذارند و به ازدواج به‌عنوان یک معامله سودآور ننگرند؛ از طرف دیگر، خانواده پسر در تهیه جهیزیه بر خانواده دختر سهل گرفته و به موارد ضروری اکتفا کنند. مردان و خانواده آنان نیز با الگوگیری از امیرمؤمنان (ع) تا جایی که برایشان ممکن است در تهیه اسباب و اثاثیه منزل مشارکت داشته باشند، تا همه فشار بر خانواده دختر نباشد.

یکی دیگر از دغدغه‌های بزرگ مجردان، تهیه منزل و محل اسکان برای خانواده است. روشن است که معمولاً در ابتدای ازدواج، امکان خرید خانه برای مرد جوانی که هنوز پیشرفت قابل توجهی در مسائل مالی نداشته است، وجود ندارد؛ بنابراین در این باره نیز باید به اصل «تسهیل» پایبند بود و بر لزوم خرید منزل اصرار نورزید. نقل شده است که امیرمؤمنان (ع) و فاطمه (ع) زهرا (ع) در ابتدای زندگی مشترک خود، مدتی را در خانه حارثه بن نعمان به سر بردند (طبرسی، ۱۳۹۰ق، ص ۷۱).

۴-۵. کمک به مجردان کم‌بضاعت

این راهکار آمیزه‌ای از فرهنگ و اقتصاد است که در آیه ۳۲ سوره نور به هر دو مؤلفه اشاره شده است؛ چراکه این راهکار عبارت است از اصلاح نگرش مجردان کم‌بضاعت نسبت به مسائل مادی و کمک مالی به آنان برای ازدواج. در آیه مزبور آمده است که مجردان فقیر نوع نگاه خود را به روزی‌رسانی خداوند تغییر دهند (بخش فرهنگی) و دیگران

نیز در حد توان خود به آنان کمک کنند (بخش اقتصادی). بنابراین ابتدا باید با استفاده از ابرازهای عقلی و دینی و بیان تجربیات مختلف، فرد مجرد را متقاعد ساخت که ازدواج نقطهٔ عطفی در گشایش امور مادی است. در روایتی از امام صادق (ع) نیز آمده است: «مَنْ تَرَكَ التَّزْوِيجَ مَخَافَةَ الْعَيْلَةِ فَقَدْ أَسَاءَ بِاللَّهِ الظَّنَّ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۳۳۰)؛ هرکس ازدواج را به خاطر ترس از فقر ترک کند، به راستی به خدا گمان بد برده است. خداوند وعده داده است که با ازدواج، فقر را از فضل خود بی‌نیاز خواهد ساخت.

قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَى مِنْكُمْ... إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُعْطِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ»؛ مردان و زنان بی‌همسر خود را همسر دهید... اگر فقیر و تنگدست باشند، خداوند از فضل خود آنان را بی‌نیاز می‌سازد. در اینکه جملهٔ اخیر خطاب به کیست، دو احتمال وجود دارد:

نخست اینکه، این جمله ادامهٔ خطاب به جامعه و حاکمیت اسلامی، مبنی بر به ازدواج درآوردن مجردان باشد. در این صورت، معنای این جمله چنین است که: اگر پسری که به خواستگاری دختری آمده، با داشتن دیگر شرایط از قبیل تقوا و اخلاق، فقیر است، ولی دختر حق ندارد به بهانهٔ فقیر بودن او، مانع از این ازدواج شود (ابن‌عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۱۸؛ فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۳، ص ۳۷۱)؛

اما احتمال دوم که ضعیف‌تر است آنکه، جملهٔ شرط و جزا گرچه به‌صورت غایب بیان شده است، به خود مجردان متوجه باشد؛ پس خود افراد مجرد فقیر، نباید از ازدواج کردن بیم داشته باشند. بنابراین اطرافیان فرد مجرد کم‌بضاعت باید در رفع مشکل مالی او برای ازدواج تلاش کنند و به بهانهٔ فقیر بودن او، در این راه سست نشوند (بنابر احتمال اول) و خود مجردان نیز نباید به این بهانه از ازدواج شانه خالی کنند (بنابر احتمال دوم).

درنتیجه، کار اضافه‌ای که نسبت به مجردان غنی، در مورد بی‌همسران کم‌بضاعت باید صورت پذیرد، آن است که اسباب مالی و اقتصادی ازدواج آنان نیز فراهم گردد. باین‌حال، دقت شود که خداوند وعده داده است که پس از ازدواج و به سبب آن، زوج یا زوجین کم‌بضاعت را وسعت در روزی عطا خواهد کرد. البته، این گشایش در روزی بدون توجه به اسباب ظاهری نیست و مشخصاً مرد باید به دنبال روزی حلال برود.

البته، مدلول آیه این نیست که شما باید فرد مجرد فقیر را به لحاظ مالی بی‌نیاز و غنی سازید؛ چراکه این آیه مستقیماً مردم را به چنین مطلبی امر نفرموده است. آنچه هست بیان یک واقعیت است که خداوند زوجین را از فضل خود بی‌نیاز خواهد ساخت. هرچند از بیان این واقعیت و با استناد به ارتباط هست‌ها با ارزش‌ها، اجمالاً به‌دست می‌آید که مردم نیز دربارهٔ کمک مالی به این افراد مسئولیت دارند، اما ظاهر آیه آن است که خداوند به‌واسطهٔ ازدواج به زندگی آنان وسعت و برکت خواهد داد و آنان بی‌نیاز خواهند شد. آنچه در این مورد از دیگران خواسته شده است، تأمین اسباب ازدواج مجردان است. باین‌حال، اگر پایداری و استحکام این ازدواج بسته به آن باشد که راه درآمد پایداری برای مرد تأمین گردد، چنین کاری نیز مطلوب است.

نتیجه‌گیری

با انجام این پژوهش، نتایج ذیل به‌دست آمد:

راهکار کلان قرآن برای حل مسئلهٔ تجرد، گردآوردن تمامی نیروهای گوناگون جامعهٔ اسلامی است. در صورت عمل به این توصیه، با توجه به علم الهی به ریشه‌های مشکلات اجتماعی انسان و راهکار قرآنی حل آنها، رفع این معضل اجتماعی تضمین شده است. از همهٔ اشخاص حقیقی و حقوقی، هر کدام به‌اندازهٔ وسع و محدودهٔ تخصص و اختیارات خود، شرعاً خواسته شده است تا در این راستا به هر گونه که می‌توانند نقش ایفا کنند. مطلب فوق را می‌توان از آیهٔ ۳۲ سورهٔ نور استظهار کرد؛ چراکه مخاطبین این آیه، نسبت به افراد حقیقی و حقوقی و نیز عموم مجردان فراگیر است. عدم اشاره به کیفیت تلاش این افراد، حاکی از مطلوبیت هر تلاش مشروعی در این راه است.

در میان راهکارهای خرد، حذف آداب‌ورسوم غلط در ازدواج و غیرمرتبط با دین، سهل‌گیری در مقدار مهریه، جهیزیه و تهیهٔ مسکن برای سال‌های اول زندگی، می‌تواند بخش عمده‌ای از مشکلات مجردان را مرتفع سازد. گرچه این راهکارها در آیهٔ ۳۲ سورهٔ نور مورد تصریح قرار نگرفته‌اند، ولی بازگشت همهٔ آنها به سهل‌گیری در امور مختلف دینی است که ازدواج نیز یکی از آنهاست. این قاعدهٔ کلی در آیهٔ ۱۸۵ سورهٔ بقره ریشه دارد. در این میان، خانوادهٔ پسر و دختر، آحاد جامعهٔ اسلامی و حکومت‌ها می‌توانند نقش مهمی ایفا کنند. گفتنی است بخش مهمی از این راهکار بر عهدهٔ خود مجردان و آسان‌گیری آنان است.

در نهایت، به راهکار خردی می‌رسیم که در کنار راهکار کلان در آیهٔ ۳۲ سورهٔ نور بدان تأکید شده است. شاید از اشاره به این راهکار خرد در آیهٔ مزبور، بتوان برداشت کرد که از منظر قرآن نیز فقر یکی از مهم‌ترین موانع ازدواج است. این راهکار یکی از مهم‌ترین راهکارهاست و شاید به همین جهت در آیه ذکر شده است. این راهکار ترکیبی از فرهنگ و اقتصاد است. در این راهکار ترکیبی، از خانواده‌ها، افراد جامعه و دولت اسلامی خواسته شده است که در کنار یکدیگر، در فراهم کردن اسباب ازدواج مجردان کم‌بضاعت و فقیر آنان را یاری رسانند. بدیهی است که در اینجا نیز رعایت اصل سادگی مورد توصیه است. باین حال، بنابر آیهٔ ۳۲ سورهٔ نور مجردان به‌طور کلی و مجردان کم‌بضاعت خصوصاً، باید نگرش خود را به ازدواج تغییر دهند؛ یعنی نه تنها ازدواج را موجب هزینه‌های فراوان ندانند که آن را طبق وعدهٔ الهی نقطهٔ عطفی در تحول مادی در زندگی مشترک خویش تلقی کنند.

منابع

قرآن کریم.

- آخوند خراسانی، محمدکاظم (۱۴۰۹ق). *کفایة الأصول*. قم: مؤسسه آل البيت علیه السلام لإحياء التراث.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۳۶۲). *الخصال*. محقق / مصحح: علی اکبر غفاری. قم: جامعهٔ مدرسین.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۵ق). *المقنع*. قم: مؤسسهٔ امام مهدی علیه السلام.
- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۳ق). *من لا یحضره الفقیه*. محقق / مصحح: علی اکبر غفاری. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعهٔ مدرسین حوزهٔ علمیهٔ قم.
- ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی (۱۳۸۵ق). *دعائم الإسلام و ذکر الحلال و الحرام و القضاء و الأحکام*. محقق / مصحح: آصف فیضی. قم: مؤسسهٔ آل البيت علیه السلام.
- ابن عاشور، محمدطاهر (۱۴۲۰ق). *تفسیر التحریر و التنویر المعروف بتفسیر ابن عاشور*. بیروت: مؤسسه التاریخ العربی.
- ابن عربی، محمد بن عبدالله (۱۴۰۸ق). *احکام القرآن*. محقق: علی محمد بجاوی. بیروت: دار الجبل.
- ابن فارس، احمد (۱۴۰۴ق). *معجم مقاییس اللغة*. محقق / مصحح: عبدالسلام محمد هارون. قم: مکتب الإعلام الإسلامی.
- ازهری، محمد بن احمد (۱۴۲۱ق). *تهذیب اللغة*. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- امینی‌بیات، بتول (۱۴۰۱). *عوامل فرهنگی و اقتصادی عدم پذیرش ازدواج آسان از سوی خانواده‌ها و راهکارهای برون‌رفت از آن از منظر قرآن و روایات*. پایان‌نامهٔ کارشناسی ارشد رشتهٔ علوم قرآن. دانشگاه علوم و معارف قرآن. دانشکدهٔ علوم قرآنی. تهران.
- تهانوی، محمد اعلی بن علی (۱۹۹۶م). *موسوعة کشف اصطلاحات الفنون و العلوم*. محقق: علی فرید دحروج. بیروت: مکتبه لبنان ناشرون.
- جان‌بزرگی، مسعود و دیگران (۱۳۹۹). *مشاورهٔ پیش از ازدواج: اصول، مبانی و راهبردهای عملی*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- جصاص، احمد بن علی (۱۴۰۵ق). *أحكام القرآن*. محقق: محمدصادق قمحاوی. بیروت: دار التراث العربی.
- دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۷). *لغت‌نامه*. تهران: دانشگاه تهران.
- رجبی، عباس (۱۳۸۶). *سن ازدواج: عوامل افزایش و راهبردهای کاهش آن*. معرفت، ۱۶ (۱۲)، ۱۴۳-۱۵۴.
- رضایی، زهرا (۱۳۹۷). *بررسی موانع و راهکارهای ازدواج آسان از منظر اسلام*. پژوهش‌های اسلامی جنسیت و خانواده، ۱ (۱)، ۴۹-۲۵.
- زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۰۷ق). *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقوال فی وجوه التأویل*. محقق: مصطفی حسین احمد. بیروت: دار الکتاب العربی.
- شعیری، محمد بن محمد (بی‌تا). *جامع الأخبار*. نجف: مطبعه حیدریه.
- حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). *تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*. قم: مؤسسهٔ آل البيت علیه السلام.
- صدر، سیدمحمدباقر (۱۴۰۸ق). *مباحث الأصول*. تقریر: سیدکاظم حسینی حائری. قم: مطبعه مرکز النشر - مکتب الإعلام الإسلامی.
- طالب‌پور، اکبر و بیرانوند، معصومه (۱۴۰۱). *مطالعهٔ کیفی پیامدهای تجرد قطعی دختران*. مطالعات زن و خانواده، ۱۰ (۱)، ۳۵-۱۰.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین (۱۳۹۰ق). *المیزان فی تفسیر القرآن*. بیروت: مؤسسهٔ الأعلمی للمطبوعات.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۹۰ق). *إعلام الوری بأعلام الهدی (ط - التذیبه)*. قم: اسلامیه.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۲ق). *تفسیر جوامع الجامع*. مصحح: ابوالقاسم گرجی. قم: مرکز مدیریت حوزهٔ علمیهٔ قم.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. مصحح: فضل‌الله یزدی طباطبائی و هاشم رسولی. تهران: ناصر خسرو.

- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ق). *الأمالی*. محقق / مصحح: مؤسسه البعثة. قم: دار الثقافة.
- عیسی‌زاده، عیسی (۱۳۹۰). *خانواده قرآنی (ویژگی‌ها و وظایف اعضای آن)*. قم: بوستان کتاب.
- فتحی، محمد و کوهی اصفهانی، کاظم (۱۳۹۷). *قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران؛ به همراه نظرات تفسیری شورای نگهبان (۱۳۵۹-۱۳۹۶)*. تهران: شورای نگهبان. پژوهشکده شورای نگهبان.
- فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ق). *التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)*. بیروت: دار التراث العربی.
- قرائتی، محسن (۱۳۸۸). *تفسیر نور*. تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- قطب، سید شاذلی (۱۴۲۵ق). *فی ظلال القرآن*. بیروت: دار الشروق.
- معین، محمد (۱۳۷۱). *فرهنگ فارسی (دورهٔ ثلث جلدی)*. تهران: امیرکبیر.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). *الکافی (ط - الإسلامیه)*. محقق / مصحح: علی‌اکبر غفاری و محمد آخوندی. تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی (بی‌تا). *قانون تسهیل ازدواج جوانان*. در:
- https://rc.majlis.ir/fa/law/print_version/97806.۱۳۸۴/۰۹/۲۷. تاریخ تصویب:
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۴الف). *اخلاق در قرآن ج ۲*. تحقیق و نگارش: محمدحسین اسکندری. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۴ب). *اخلاق در قرآن ج ۲*. تحقیق و نگارش: محمدحسین اسکندری. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ره.
- مکارم شیرازی، ناصر و دیگران (۱۳۷۱). *تفسیر نمونه*. تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- وفادار، الله‌ویردی (۱۳۹۹). *راهکارهای آسان‌سازی ازدواج از دیدگاه قرآن و حدیث*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته علوم انسانی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل. دانشکده علوم انسانی.